

مبانی نظری «جامعه اسلامی» در منظومه فکری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

علی باقری دولت‌آبادی^۱

نجمه صفائی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

مفهوم‌شناسی جامعه اسلامی و فهم مبانی نظری آن در این نوشتار، حداقل از دو جهت اهمیت دارد: اولاً اینکه این مفهوم یکی از وجوه تمایز و تشخیص این جامعه با سایر جوامع (نظیر جامعه لیبرالی، جامعه کمونیستی یا حتی جوامع دینی غیراسلامی نظیر جامعه مسیحی یا جامعه یهودی) است؛ ثانیاً در مراحل پنج‌گانه رسیدن به تمدن اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان متفکر و اندیشمند مسلمان ترسیم شده، جامعه اسلامی به‌عنوان چهارمین موقف از مواضع تمدن‌سازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان متفکر مسلمان، تلقی خاصی از مفهوم جامعه اسلامی دارند. پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های مبنایی تأثیرگذار بر تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از جامعه اسلامی کدام‌اند و نحوه این تأثیرگذاری چگونه است. برای فهم این تلقی خاص و نیز کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری ایشان، لازم است بنیادهای پیشینی جامعه اسلامی در نگاه ایشان فهم شود. روش نوشتار حاضر، توصیفی-تحلیلی است. فرضیه این نوشتار این است که مبانی پیشینی آیت‌الله خامنه‌ای (که ذیل عنوان کلی بنیادهای اندیشه اسلامی می‌توان از آن یاد کرد) تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تلقی و نوع نگاه ایشان به جامعه اسلامی دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد چهار مفهوم بنیادین «توحید»، «ولایت»، «هستی‌شناسی اسلامی» و «انسان‌شناسی اسلامی»، تأثیر خاصی بر مختصات و ترسیم جایگاه جامعه اسلامی در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای دارند.

کلیدواژگان

جامعه اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، توحید، ولایت، انسان‌شناسی.

۱. عضو هیئت‌علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج.
۲. فارغ‌التحصیل رشته حقوق دانشگاه علامه طباطبائی.

جامعه یکی از آن مفاهیم به ظاهر ساده، اما به غایت پیچیده و سیالی است که از قضا قابلیت‌های فراوانی برای تأویل می‌یابد. اینکه جامعه چیست و از چه عناصری تشکیل شده است، آیا جامعه محصول جمع ریاضی فردفرد انسان‌هایی است که در جغرافیایی خاص باهم زندگی می‌کنند یا نوعی اجتماع است که در بطن خود حامل نوعی وحدت ارگانستی است، آیا جامعه اصالت دارد یا فرد و...، محل نزاع و معرکه آراست. البته در اینجا قصدی برای ورود به تمام این پرسش‌های بنیادین نیست؛ منتها غرض ذکر این نکته است که اختلافات زیادی در تلقی مکاتب و اندیشمندان مختلف در پاسخ به پرسش‌های مذکور وجود دارد. جامعه آن‌گاه که متصف به برخی وصف‌های خاص می‌شود (نظیر مفهوم جامعه اسلامی)، قدری معنای روشن‌تری می‌یابد و به نسبت مفهوم خود جامعه، از وضوح مفهومی بالاتری برخوردار می‌شود؛ چراکه وقتی از جامعه اسلامی صحبت به میان می‌آید، جامعه بیشتر در اینجا نوعی فرم و قالب در نظر گرفته می‌شود که روح، محتوا و جهت‌گیری‌های خاص آن را ارزش‌های اسلامی تعیین می‌کند؛ چنان‌که برای مفهومی به نام جامعه مسیحی یا جامعه یهودی و حتی مفهومی به نام جامعه مدرن نیز می‌توان به سیاق مفهوم جامعه اسلامی، از جهت‌گیری‌های جامعه در جهت ارزش‌های مسیحی، یهودی یا ارزش‌های جهان تجدد و مدرنیته سخن گفت. در خصوص جامعه اسلامی نیز ذکر این نکته لازم است که تلقی اندیشمندان مسلمان از این مفهوم، تلقی واحدی نیست و تعاریف متعددی از آن وجود دارد. به‌عنوان مثال تفاوت‌هایی در تلقی اندیشمندان مسلمان معاصر نظیر علامه طباطبایی، محمدباقر صدر، امام خمینی (ره)، استاد مطهری و شهید بهشتی از مفهوم جامعه و نیز جامعه اسلامی وجود دارد. یکی از اندیشمندان مسلمان معاصر که جامعه اسلامی جایگاه مهمی در منظومه فکری ایشان دارد، آیت‌الله خامنه‌ای است. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، این است که اندیشه اجتماعی هر اندیشمندی، دارای یک مبانی پیشینی است و لذا فهم آن اندیشه بدون فهم آن مبانی و عقبه ممکن نیست. طبیعی است که تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از جامعه اسلامی نیز ریشه در مبانی پیشینی اندیشه ایشان دارد که به‌منظور فهم جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری معظم‌له، این مبانی باید به‌درستی فهم شود. پیش‌فرض مقاله حاضر این است که ارتباط معناداری میان جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با مبانی پیشینی اندیشه ایشان (و نوع نگاه خاص به مسئله توحید، اسلام‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی)



وجود دارد. براین اساس پرسش پیش روی مقاله حاضر این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های مبنایی تأثیرگذار بر تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از جامعه اسلامی کدام‌اند، نحوه این تأثیرگذاری چگونه است و جامعه اسلامی مورد نظر ایشان چه ویژگی‌هایی دارد؟

پیشینه پژوهش

مقالات متعددی تاکنون درباره اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به رشته تحریر درآمده است. بیشتر مقالاتی که در این فضا نوشته شده، به دولت دینی، نظام‌سازی و انقلاب اسلامی و... در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است (نوری، ۱۳۹۷؛ لکزایی، ۱۳۹۷؛ عینی‌زاده، ۱۳۹۶؛ معینی‌پور، ۱۳۹۵؛ اشرفی، ۱۳۹۵؛ جاویدی، ۱۳۹۵) و مفهوم جامعه یا جامعه اسلامی از نظر ایشان، کمتر مورد مذاقه نظری قرار گرفته است. از میان محدود آثار نگاشته شده در این باره، چهار اثر به موضوع پژوهش حاضر نزدیک و حائز اهمیت بودند.

در مقاله «انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» (لکزایی، ۱۳۹۵) نویسنده با روشی تحلیلی و استنادی سعی کرده به این پرسش پاسخ دهد که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه اسلام به فرد انسان و مجموعه انسان‌ها چگونه است؟ این مقاله با آنکه به نکات مهمی می‌پردازد، مسئله‌اش کمتر مربوط به تبیین بنیان‌های پیشینی جامعه اسلامی در تلقی آیت‌الله خامنه‌ای است.

شفیعی و نیک‌بین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری» بیان می‌کنند دین می‌تواند برای تمام عرصه‌های اجتماعی، در همه زمان‌ها و مکان‌ها راهکارهایی متناسب با وضعیت موجود ارائه دهد. کارآمدی در نظام دینی با کارآمدی جامعه سکولار متفاوت است و نظام دینی باید علاوه بر تلاش در جهت تحقق بعد عام کارآمدی، به بعد اختصاصی آن نیز توجه داشته باشد. برای دستیابی به این مهم در جامعه، باید به سه عنصر مهم دین یعنی اعتقادات، اخلاق و احکام توجه شود. در این صورت، دین می‌تواند حداکثر میزان کارآمدی را به نمایش گذارد. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز، که بر اساس دین پی‌ریزی شده است، باید در چهارچوب همین سه مؤلفه ارزیابی شود. این مقاله با وجود قوت علمی، در خصوص مبنایی اندیشه سیاسی رهبری بحثی به میان نیاورده است.



سمیعی اصفهانی، رفیعی و نوری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری» بیان می‌کنند اندیشه‌های رهبر در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در بینش توحیدی ذوب شده است و می‌تواند برای عصر ره‌اشده از خودیت و خودباوری حاضر الگو باشد. مهم‌ترین مشکل عصر حاضر برای جوان از نظر رهبر، مشکل بی‌هویتی است. ابعاد هویت شامل فردی، اجتماعی، ملی، جهانی و دینی است. مهم‌ترین مؤلفه هویت اسلامی از بعد شناختی، بینش توحیدی و از بعد عاطفی، خودباوری و اعتمادبه‌نفس و از بعد رفتاری، آزادی مبتنی بر اخلاق و عاری از «دروغ‌گویی و شایعه‌پراکنی» و تلاش برای داشتن هویت دینی است که اعم از هویت ملی و سایر هویت‌هاست. از مهم‌ترین تهدیدات هویت اسلامی یأس و تیره کردن افق با به رخ کشیدن فاصله‌های علمی، اشکال‌تراشی غیرمنطقی و هوجبگری مطبوعاتی (ناتوری فرهنگی) است. نویسندگان به‌خوبی تهدیدات هویت اسلامی را از منظر امام و رهبر تبیین کرده‌اند، اما سخنی در باب جامعه اسلامی و نسبت آن با هویت اسلامی نگفته‌اند.

مقاله دیگری در کتاب منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (خسر و پناه و همکاران، ۱۳۹۶) با عنوان «جامعه اسلامی» آمده است. این مقاله نیز عمدتاً به مباحثی نظیر اهداف جامعه مطلوب (اعم از اهداف غایی و اهداف میانی)، شاخصه‌های جامعه مطلوب اسلامی و آسیب‌شناسی جامعه مطلوب می‌پردازد. نویسنده در این مقاله با آنکه در گفتار دوم مقاله به مبانی جامعه مطلوب می‌پردازد، به اختصار و گذرا، به برخی مبانی این جامعه نظیر مبانی انسان‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی و مبانی فرجام‌شناختی اشاره می‌کند. نویسنده مقاله ضمن اینکه عمدتاً به مسئله کلی ارتباط وثیق میان مبانی اعتقادی و ساخت کلی جامعه تأکید می‌کند، کمتر به تشریح این مبانی و نحوه تأثیرگذاری آنها بر ساخت جامعه اسلامی می‌پردازد. لذا نوشتار حاضر از جهت پرداختن تفصیلی به مبانی جامعه اسلامی و نحوه تأثیر این مبانی بر ساخت اجتماعی این جامعه، حاوی وجوه نوآورانه محسوب می‌شود.

مبانی نظری و روش پژوهش

از شیوه‌های شناخت اندیشه یا مواضع سیاسی و رفتاری هر متفکر در حوزه سیاسی و اجتماعی، مشخص شدن مبانی فکری و اندیشه‌ای اوست. در مجموع، اندیشه یا رفتار رجال سیاسی مذهبی در چهارچوب منطبق و عقلا نیت ویژه‌ای شکل می‌گیرد که می‌تواند خاستگاه‌های



معرفتی گوناگون داشته باشد (نعیمیان، ۱۳۸۹: ۳۵۱-۳۵۳). آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیستند. بنابراین برای درک اندیشه سیاسی-اجتماعی او و به‌طور مشخص‌تر شناخت دیدگاه وی درباره جامعه اسلامی و ابعاد و مؤلفه‌های آن، لازم است شالوده‌های فکری و فلسفی ایشان به لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی شود.

۱. هستی‌شناسی

هستی‌شناسی از لحاظ لغوی عبارت است علم یا فلسفه هستی (های، ۱۳۸۵: ۱۰۶) و شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه بودن، هستی یا وجود می‌پردازد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳: ۵۶). هستی‌شناسی در اصطلاح فلسفه نظریه عام است درباره اینکه چه چیزها یا چه جوهرهایی در جهان وجود دارند (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۲). دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید تا بدین‌وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چهارچوب بپردازد. این دانش درصدد ارائه و آزمون ادعاهایی درباره این است که پدیده‌های اجتماعی و سیاسی چیستند، از چه اجزایی تشکیل شده‌اند و این اجزا چه ارتباطی با یکدیگر دارند. به تعبیر دیگر هستی‌شناسی معطوف به بررسی فرض‌هایی خاص درباره جامعه و سیاست است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۱).

هستی‌شناسی به اتکای امکانات ویژه‌اش، اعم از مفاهیم و روش‌ها، گونه‌های وجودی را تعریف می‌کند و به بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های این گونه‌ها می‌پردازد. به‌عنوان مثال هستی‌شناسی می‌پرسد داشته‌های درونی ما همچون باورها، احساس‌ها و دانسته‌ها در کدام موطن و چگونه وجود دارند؟ اگر چنین چیزی یافت می‌شود، در کدام مقوله باید طبقه‌بندی شود؟ (شمس، ۱۳۸۷: ۹).

۲. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به‌عنوان نظریه چستی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود. اینکه چگونه می‌دانیم که «چیزی را که می‌دانیم، می‌دانیم» پرسش کلیدی است که معرفت‌شناسی درصدد پاسخ به آن است. در معرفت‌شناسی پژوهشگر به این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توانیم درباره هستی‌هایی که وجود آنها را پذیرفته‌ایم شناخت به دست آوریم (صادقی فسایی و ناصری، ۱۳۹۰: ۸۱).

درواقع درحالی که هستی‌شناسی به مؤلفه‌های ماهوی دفاع نظری دارد، معرفت‌شناسی نمود عینی آن ماهیت را در عالم خارج تبیین می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۲).

۳. انسان‌شناسی

انسان‌شناسی یکی از دانش‌های مهم زیربنایی در علوم انسانی است. شناخت دقیق و جامع چیستی و هویت انسان‌شناسی در آمد و ورود به مباحث آن است. بی‌تردید تعریفی که هر فلسفه سیاسی از انسان به دست می‌دهد، تأثیری مبنایی بر کل آن فلسفه دارد. تلقی فیلسوفی از انسان چونان موجودی بدطینت با سرشتی شرور نوعی فلسفه سیاسی به دست می‌دهد و فیلسوفی که انسان را موجودی پاک‌سرشت و نیک‌خو می‌داند، فلسفه سیاسی متفاوتی نتیجه می‌گیرد. همین‌طور است درک جبرگرایانه یا مختار از انسان. در این نوع بررسی، سؤالات اساسی و محوری درباره آدمی طرح می‌شود و محقق باید به دنبال پاسخ به چنین سؤالاتی باشد؛ سؤالاتی از این قبیل: آیا انسان موجودی کاملاً مادی است به گونه‌ای که همه فعالیت‌های روانی و فکری او قابل تبیین فیزیولوژیک باشد؟ یا اینکه فعالیت‌های روانی او ماهیتی غیرمادی دارد و مستند به جوهری غیرمادی به نام روح انسانی است؟ آیا انسان‌ها دارای سرشت و طبیعت واحد و مشترکی هستند یا نه؟ کمال انسانی چیست و راه وصول به آن کدام است؟

با مشخص شدن چهارچوب نظری مبانی اندیشه مقام معظم رهبری، پرسش بعدی روش انجام کار خواهد بود. موضوع هر پژوهشی همواره تعیین‌کننده روش آن پژوهش است. بر این پایه، در بحث از آرا و اندیشه‌های متفکر در موضوعی خاص، بیش از همه اسناد و متون برجای مانده از او استفاده می‌شود. در اینجا نیز تکیه مباحث بر گفته‌ها و سخنرانی‌های رهبر انقلاب است و این داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی به کار بسته خواهد شد.

جامعه از منظر متفکران اسلامی

همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، تلقی هر اندیشمند از جامعه، ریشه در مبانی پیشینی او دارد. درباره اینکه منشأ پیدایش جامعه چه چیزی است، اقوال متفاوتی اظهار شده است. استاد مطهری در جمع‌بندی‌ای که راجع به منشأ پیدایش جامعه ارائه می‌دهد، آنها را به سه دسته فطری، اضطراری و اختیاری تقسیم می‌کند که بنا بر نظر نخست، عامل اصلی طبیعت



درونی انسان‌هاست. نظر دوم از قبیل امور اتفاقی، عرضی و به‌عنوان غایت ثانوی است نه اولی و بنا بر نظر سوم، اجتماعی بودن از قبیل غایات فکری است نه طبیعی. وی مناسب‌ترین برداشتی را که با آیات منطبق است در نظر نخست دانسته که اجتماعی بودن در متن آفرینش انسان پی‌ریزی شده است (مطهری، ۱۳۹۱: ۳۳۲-۳۳۳).

البته واژه جامعه که امروزه استعمال می‌شود، واژه‌ای متأخر و محصول جهان تجدد است، لکن در عالم اسلام حکمای مسلمان عموماً از واژه‌هایی نظیر جماعت و اجتماع بهره می‌گرفتند (مهاجرنیا، ۱۳۸۶). جماعت مورد تعریف حکمای مسلمان، به جهت بافت ارگانیکی که برای آن در نظر گرفته می‌شده، چیزی کاملاً متفاوت با انبوه انسان‌هایی است که امروزه در تلقی‌های مکانیکی و انگاره‌های تحصلی در باب جامعه وجود دارد. حکمای مسلمان از طریق ایجاد تناظر میان فیزیولوژی انسان و نظم کیهانی، دولت و جامعه را فهم می‌کرده‌اند. به‌عنوان مثال فارابی در فصول منتزعه، چنین درکی از جامعه به دست می‌دهد و به همین دلیل هم هست که از صحت و سلامت بدن شروع می‌کند و بر این باور است که همان‌گونه که بدن مبتلا به صحت و مرض می‌شود، جوامع را نیز صحت و مرض است (فارابی، ۱۳۸۲). ابن عربی در تدبیرات الالهیه فی اصلاح المملکه الانسانیه، چنان‌که از عنوان اثر پیداست، قائل به تناظر یادشده است و به همین دلیل است که تن آدمی را به مملکت تشبیه می‌کند. البته چنین نگاهی را قبل از همه اینها در نهج البلاغه و بلکه قرآن می‌توان یافت. حضرت امیر(ع) نیز در نهج البلاغه، انسان را جهان کوچک و جهان را انسان بزرگ می‌داند. در فقه سیاسی اسلام نیز جوامع معمولاً به دو دسته دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شوند (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲۸). تلقی آیت‌الله خامنه‌ای در باب جامعه اسلامی، به‌شدت تحت تأثیر مبانی پیشینی اسلامی و دینی است که در این میان به چهار دسته از این مبانی (توحید، ولایت، هستی‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی اسلامی) اشاره می‌شود.

بنیادهای جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

۱. هستی‌شناسی اسلامی

انسان بخشی از هستی است. تأملات متفکر در باب هستی، تعیین‌کننده جهات و سمت‌وسوی انسان‌شناسی اوست. آیت‌الله خامنه‌ای هم به‌عنوان متفکر اسلامی، از این قاعده مستثنا نیستند. لذا برای شناخت مؤلفه‌های انسان‌شناسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

(و تأثیری که بر تلقی ایشان از جامعه اسلامی دارد)، ناگزیر به بیان مؤلفه‌های هستی‌شناسی اسلامی در اندیشه ایشان هستیم. منظور از جهان‌بینی اسلامی در اینجا، مجموعه معارفی است که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما (به‌عنوان انسان مسلمان) از آنها به دست می‌آید (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲). ایشان در دیدار با کارگزاران نظام در سال ۱۳۷۹ خطوط اصلی این جهان‌بینی اسلامی را توضیح می‌دهند. رهبر رکن اول از ارکان پنج‌گانه جهان‌شناسی اسلامی را مسئله «توحید» می‌دانند. رکن دوم جهان‌بینی اسلامی که با مسئله انسان‌شناسی ارتباط مستقیمی می‌یابد، «تکریم انسان» است. انسان‌ها فارغ از نوع نژاد، جنسیت، زیست جغرافیایی و حتی دین و مذهب، دارای کرامت ذاتی هستند؛ چنان‌که تعبیر «ولقد کرّمنا بنی آدم» که در قرآن آمده، ناظر به همین کرامت ذاتی آدمی است. در واقع در اینجا با نوعی انسان‌محوری (به معنای دینی کلمه) مواجهیم که با اومانیسیم روشنگری و سوپژکتیویسم کاملاً متفاوت است.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره تکریم انسان طبق نگاه اسلامی در هر دو حوزه تکوین و تشریح، این‌چنین اظهار می‌دارند: «کسی که قرآن و نهج‌البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به‌خوبی پیدا می‌کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. این شد انسان‌محوری. در آیات زیادی هست که خورشید مسخر شماسست، ماه مسخر شماسست، دریا مسخر شماسست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که همین تعبیری را که گفتیم «سَخَّر لکم ما فی السّموات و ما فی الارض»، همه اینها مسخر شمایند، بیان می‌کند. مسخر شمایند یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخر همه‌شان هستید و نمی‌توانید تأثیری روی آنها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اید و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخر شمایند. مسخر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما می‌توانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان‌دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «و لقد کرّمنا بنی آدم». این «کرّمنا بنی آدم»، بنی آدم را تکریم کردیم، تکریمی است که هم شامل مرحله تشریح و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است»: (همان).

از عبارات گفته‌شده می‌توان این نکته را برداشت کرد که پایه جامعه اسلامی بر مبنای تکریم انسان‌ها بنا شده است؛ یعنی علاوه بر تکریم تکوینی، حکومت موظف است در



تشریح و در حوزه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، به گونه‌ای عمل کند که کرامت و عزت ذاتی احاد جامعه اسلامی محفوظ بماند.

سومین رکن از ارکان جهان‌بینی اسلامی، که آن هم ارتباط با مسئله انسان‌شناسی دارد، مسئله تداوم حیات پس از مرگ است. اصولاً یکی از تفاوت‌های اسلام و مکاتب مادی در همین مسئله است. تداوم حیات انسان پس از مرگ، به مثابه نوعی افق‌گشایی در برابر اوست. به بیان دیگر، مرگ به مثابه پلی است که ما را از دنیا (ممر) به دارالقرار آخرت (مقر) عبور می‌دهد و لذا به هیچ‌وجه پایان حیات محسوب نمی‌شود. این مسئله آن‌گاه که در مقیاس اجتماعی ملاحظه شود، تعریف ما از جامعه و دولت را به کلی دگرگون می‌کند. در نگاه مادی و ماتریالیستی، به دلیل فقدان اعتقاد به مسئله ابدیت و حیات پس از مرگ، نوعی نگاه تک‌بعدی و حیوانی به جامعه وجود دارد و حتی برنامه‌ریزی‌هایی که برای رفع نیازها و رسیدن به اهداف چنین جوامعی در نظر گرفته می‌شود (از قبیل برنامه‌های توسعه)، متوقف در نیازهای حیوانی و مادی است. اما جامعه اسلامی به دلیل نگرش خاصی که به مسئله حیات دارد، جامعه‌ای است که دنیا را مزرعه آخرت می‌داند. لذا گرچه در این دنیا می‌کوشد از مواهب آن بهره‌مند شود و از جمله به فکر منافع مادی خود نیز هست (چنان‌که جامعه گرسنه، فقیر و ناامن به هیچ‌وجه مطلوب دین نیست)، تمام فعالیت‌های خود را رو به سوی حیات ابدی و ناظر به آن جهت‌گیری و تنظیم می‌کند.

چهارمین رکن جهان‌بینی اسلامی، به ظرفیت‌ها و استعداد‌های نامحدود و بی‌پایان آدمی برای نیل به تعالی مربوط است. رهبر در این زمینه می‌گویند: «انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود، اما بقیه موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لقد خلقنا الأنسان فی احسن تقویم»، «احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش، با چشمش، با تنش تناسب دارد. اینکه مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه اینها بالاتر برود. اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است. لذا می‌گوید: «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً». بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده از استعداد‌های ماده است. بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی



انسان همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است. این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفت‌های شگفت‌آور را به وجود می‌آورد» (همان).

پنجمین رکن از ارکان جهان‌بینی توحیدی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، حرکت عمومی عالم به سمت صلاح و غلبه اهل حق بر شرور عالم است. ایشان در توضیح این مطلب چنین بیانی دارند: «از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است. این برو برگرد هم ندارد. ... همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهايش می‌تواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گم‌گشته را مرتب از این کوه و کمر و دشت‌ها و کویرها و جنگل‌ها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است. آن در زمان ولی‌عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد، لیکن همه این تلاش‌ها اصلاً بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است. ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود، اما برو برگرد ندارد. قطعاً این‌طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست» (همان).

۲. معرفت‌شناسی اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در مقام عالم شیعی مبرز که میراث‌بر اندیشه‌های ناب معصومان (ع) هستند به صورت طبیعی و واضح با انحصار تمدن در گروهی خاص مخالف‌اند. ایشان اسلام را دینی جهانی می‌دانند و به همین واسطه تمدن نوین اسلامی را نیز تمدنی جهان‌شمول و آفاقی به حساب می‌آورند. ایشان در بیانی می‌فرمایند: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۸).

ایشان تفکرات غربی‌ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی می‌کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد تأکید دارند. معظم‌له معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و باید با نگاه معرفت‌شناسی الهی به حقایق پی برد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۳۰). لذا معرفت‌شناسی مورد نظر ایشان از



معرفت‌شناسی‌های پوزیتویستی صرف یا تفسیری خاص دور شده و بر محور معرفت‌شناسی الهی استوار است.

۳. انسان‌شناسی اسلامی

پیش از اینکه به بحث انسان در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و تأثیر آن بر تلقی ایشان از جامعه اسلامی بپردازیم، باید توجه داشت که پاسخ آیت‌الله خامنه‌ای به پرسش از نگاه اسلام به «فرد انسان» و «مجموعه انسان‌ها» چگونه است. ایشان به این پرسش به‌عنوان «مطلب معرفتی اسلامی» و نه مسئله فلسفی، منطقی، اصولی و فقهی یا جامعه‌شناختی پاسخ می‌دهند (لکزایی، ۱۳۹۵: ۶۵).

نکته مهم این است که آیت‌الله خامنه‌ای بدون آنکه چندان به پرسش‌هایی فلسفی نظیر «نسبت فرد و جامعه چیست؟» یا «از میان جامعه و فرد کدامیک اصیل است و کدامیک اعتباری؟» بپردازند، بیشتر به تشریح دیدگاه اسلام درباره فرد و جامعه پرداخته‌اند. در تلقی آیت‌الله خامنه‌ای اسلام، هم به فرد توجه داشته است و هم به جمع. ایشان درباره موضع اسلام راجع به انسان و فرد انسانی، انسان را به سائر و رونده‌ای تشبیه می‌کنند که از نقطه‌ای (خودپرستی) به نقطه دیگری (خداپرستی) حرکت می‌کند: «در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار می‌گیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت می‌کند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند: «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه». اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله کوتاه می‌شود گفت این راه عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۵).

ایشان بر این باورند که در کنار نگاه اول اسلام به انسان، نگاه دیگری به انسان وجود دارد و به نظر، مفهوم «جامعه اسلامی» از همین جا اهمیت می‌یابد. معظم‌له در تبیین این موضوع، وظیفه مهم در این ساحت را مدیریت دنیا می‌داند: «در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه مدیریت دنیا» (همان).



ناگفته پیداست که مدیریت دنیا بدون تمهیداتی در زمینه جامعه‌پردازی، بی‌معنا و در عمل نیز ناممکن است. اصولاً جامعه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند بخش مهمی از زیست‌دنیایی او را تشکیل می‌دهد. جامعه اسلامی نیز به همین سیاق، از زمینه‌هایی است که مدیریت دنیا در بستر آن معنا می‌یابد و درست در همین زمینه و بستر است که جامعه اسلامی معنای محصل خود را باز می‌یابد. بسیاری از ارزش‌های انسانی نظیر عدالت، آزادی، امنیت و سعادت صرفاً از طریق جامعه تحقق می‌یابد. درحقیقت می‌توان گفت که مدیریت دنیا و تحقق ارزش‌های اسلامی نظیر عدالت، بدون تشکیل جامعه اسلامی و نیز حکومت اسلامی بی‌معناست.

۴. توحید و اندیشه توحیدی

توحید را می‌توان سنگ بنای جامعه اسلامی دانست. به تعبیر علامه طباطبایی، توحید ناموس قوانین اسلامی و به تعبیر استاد مطهری، ایمان به خدا سرسلسله تمام معتقدات دینی است (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۱). ریشه اصلی درخت دین، اصول اعتقادات آن است و جان‌مایه اصول اعتقادات، توحید و اندیشه توحیدی است. تقریباً می‌توان گفت که خاستگاه اصلی اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای و از جمله برداشت ایشان از جامعه اسلامی، توحید و اندیشه توحیدی است. ایشان در تعریف توحید بیان می‌دارند: «توحید یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کھکشان‌ها و سبحی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه شمسی بگیرد تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی، که آن‌قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند، چون وقتی نظم غیرقابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بی‌تخلف استفاده می‌شود، ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲).

توحید در اندیشه ایشان، حاوی وجوه سلبی و ایجابی است؛ چنان‌که ایشان در تعریفی که از توحید ارائه می‌دهند، آن را عبارت می‌دانند از اینکه انسان غیر خدا را عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا جبهه بندگی به زمین نساید (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۰). ایشان عبودیت خداوند را در کنار پرهیز از طاغوت می‌بینند و در واقع معاضدت و هم‌گرایی



هر دو وجه سلبی و ایجابی توحید و اندیشه توحیدی هستند. جالب آنکه پرهیز از طاغوت در تلقی ایشان، صرفاً دوری گزیدن از طاغوت و برکشیدن دامن به‌منظور آلوده نشدن به پلشتی‌های طاغوت نیست، بلکه «تقابلی» میان خط توحید و خط طاغوت وجود دارد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱۴). به‌عبارتی نوعی درگیری میان این دو خط وجود دارد و همین تقابل ملازمه‌ای قطعی با ایمان به خدا و اندیشه توحیدی می‌یابد. وجه سلبی توحید آن‌قدر در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پررنگ است که ایشان اساساً توحید خالص را معادل نفی عبودیت غیر خدا می‌دانند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۲).

ایشان در تعریف دیگری از توحید، به ارتباط آن با جامعه می‌پردازند: «توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزش‌های انسانی و اصیل» (همان). از این تعریف پیداست که جامعه اسلامی در واقع همان جامعه توحیدی است و شاخصه و علامت اصلی جامعه اسلامی، استقرار و نهادی شدن ارزش‌های توحیدی و الهی در جامعه است؛ چنان‌که این ایمان جمعی، ملازمه‌ای قطعی و ضروری با پرهیز جمعی از طواغیت و مقابله با آن و ترسیم پررنگ خطوط میان جامعه اسلامی و جامعه طاغوتی برقرار می‌کند.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، توحید صرفاً مسئله انتزاعی مجرد فلسفی و نظری نیست، بلکه نوعی شیوه زیست است (همان) که هم شامل زیست جمعی می‌شود و هم شامل زیست فردی. خصلت انضمامی توحید (در عین ابعاد نظری آن) و نیز وجه جمعی و مدنی آن، خود به‌روشنی مبین ارتباط میان جامعه اسلامی و توحید است.

آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که بشر هرچه ناراحتی و رنج و دشواری تحمل می‌کند، بر اثر دوری از راه خدا و سرکشی در مقابل احکام الهی است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱). پیش‌تر نیز متذکر این نکته شدیم که توحید از نظر ایشان، نوعی شیوه زیست فردی و اجتماعی است. از حاصل جمع این دو گزاره می‌توان این نکته را فهمید که بشر به هر اندازه از توحید دور شود، گویی از شیوه درست زیستن فاصله گرفته است و دچار نوعی کج‌روی اجتماعی و فردی شده است. این مسئله درباره جوامع اسلامی که ادعای مسلمان بودن و زندگی زیر پرچم توحید را دارند اهمیتی مضاعف هم پیدا می‌کند؛ چه اینکه طی یکی-دو قرن اخیر، مسلمانان و جوامع اسلامی به دلیل غفلت از اندیشه توحیدی و تن دادن به حاکمیت استعمار خارجی و استبداد داخلی (به‌عنوان مصادیق اتم طاغوت)، راه انحراف

پیمودند و دچار مصائب عدیده‌ای شدند. آیت‌الله خامنه‌ای بر این عقیده‌اند که هرچه امروز از سختی‌ها و بلاها بر سر مسلمانان و ملت‌های مسلمان می‌آید بر اثر گم کردن سررشته زندگی در زیر سایه توحید است (همان).

۵. ولایت اسلامی

ولایت از ارکان محوری تفکر اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای ولایت اسلامی را به معنای حاکمیت انسان‌های پارسا، انسان‌های مخالف با شهوات و نفس خودشان و انسان‌های عامل به صالحات می‌داند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۰). این حاکمیت گرچه با میزانی از آمرانگی و اقتدار مشروع همراه است، عمیقاً بر پایه محبت و دوستی است؛ چنان‌که یکی از معانی مهم ولایت، همین مسئله دوستی و هم‌نشینی است. پس مسئله ولایت در اسلام امری است دوستی محور و بر مبنای محبت مؤمنان به یکدیگر. این دوستی و محبت سرمایه اجتماعی بالایی را برای جامعه اسلامی فراهم می‌کند و می‌تواند به‌عنوان یکی از پایه‌های شکل‌گیری جامعه اسلامی و ثبات و استقرار آن مطرح شود. ابن مسکویه در کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (رازی، ۱۳۹۷) این نکته را مطرح می‌کند که یکی از وظایف امام و ولی در جامعه اسلامی، محافظت از نهاد انس در جامعه است. همین انس و محبت که پایه جامعه ولایی است، یکی از تمایزات این جامعه با جامعه مبتنی بر سلطنت است. آیت‌الله خامنه‌ای تفاوت میان ولایت و سلطنت و نوع مناسبات اجتماعی شکل‌گرفته در هر دو نظام ولایی و نظام سلطانی را این‌چنین تشریح می‌کنند: «ماهیت امامت [و ولایت] با ماهیت سلطنت مغایر و منتقض است. این دو ضد هم‌اند: امامت یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم؛ اما سلطنت یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب، بدون هیچ‌گونه علقه معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو درست نقطه مقابل هم است. امامت حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت یعنی یک سلطه مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹).

از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای این‌گونه برداشت می‌شود که ایشان بر این باورند که ولایت در جامعه اسلامی است که معنا می‌یابد و بدون این بستر مدنی اسلامی، فاقد معنای دقیق خود خواهد بود؛ چه اینکه ولایت یعنی سرپرستی، پیوند، ارتباط، اتصال، به هم پیچیده



شدن دو چیز، به هم جوشیدگی و به هم پیوستگی کسانی که با یکدیگر ولایت دارند. معنا و شکل و مفهوم ولایت در جامعه و نظام اسلامی این است. از این جهت در جامعه اسلامی کلمه ولایت به حکومت اطلاق می‌شود و رابطه بین ولی و مردم رابطه ولایتی است و اتصال و ارتباط آنها انفکاک‌ناپذیر است و تمام اجزای این جامعه، با یکدیگر متصل‌اند و از هم جدا نیستند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶).

با توجه به توضیحات گفته شده به نظر می‌رسد می‌توان گفت جامعه اسلامی مطلوب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، به نوعی همان جامعه ولایتی یا جامعه مبتنی بر ولایت است. عامل اصلی پیوند و استحکام و عناصر اصلی مقوم جامعه اسلامی، بی‌تردید در معنا، مفهوم و کارکرد نهاد ولایت در جامعه اسلامی نهفته است. همان‌گونه که پیش‌تر هم گفته شد ولایت، هم به معنای حکومت است هم به معنای محبت و دوستی؛ گرچه هر دو معنا مانعة‌الجمع نیستند؛ به این معنا که حکومت‌داری مستلزم فاصله گرفتن از دوستی و محبت میان اعضای جامعه نیست. حکومت‌های استبدادی و سلطنتی، کودتایی و سایر حکومت‌هایی که با نوعی تغلب بر سر کار آمده‌اند، هیچ‌یک نمی‌توانند دوستی را در میان جامعه نهادینه کنند؛ حال آنکه جامعه اسلامی حقیقی جامعه دوستی محور و محبت محور است و این دوستی هم با اجبار حکومت یا با ابلاغیه و بخشنامه حاصل نمی‌شود، بلکه در وهله اول از اعماق درون جان موالیان در جامعه دینی و ولایتی می‌جوشد و نضج می‌یابد.

امروزه، به ویژه در ربع آخر قرن بیستم، در غرب بحث محبت و دوستی مدنی دوباره مطرح شده است. یکی از دلایل اصلی طرح چنین مسئله‌ای، بروز آسیب‌های ناشی از فردگرایی منفی در جوامع غربی بوده است که خود ریشه در اندیشه‌هایی نظیر لیبرالیسم دارد. فردگرایی منفی جامعه را اتمیزه می‌کند و آن را به سمت وضعیتی آنومیک و بی‌هنجار سوق می‌دهد. طرح بسیاری از ایده‌ها در غرب نظیر مشارکت، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی به دلیل کاستن از آسیب‌هایی است که بر اثر بی‌توجهی و فردگرایی منفی در میان جوامع مدرن دامن‌گیر این جوامع شده است. نکته جالب آنکه ایده‌هایی نظیر سرمایه اجتماعی که برای بسط دوستی و محبت در جوامع مدرن پیشنهاد شده‌اند، به دلیل ابتنا بر پیش‌فرض‌های ناقص و نگاه تک‌بعدی به انسان و هستی، عملاً تاکنون نتوانسته‌اند مشکلات این جوامع را آن‌گونه که باید و شاید برطرف کنند. بوردیو در مقاله معروف خود تحت عنوان «شکل‌های سرمایه»، وقتی از سرمایه اجتماعی بحث می‌کند، پایه شکل‌گیری گروه‌هایی را که بناست در ارتقای



سرمایه اجتماعی جوامع مدرن مؤثر باشند، بر منفعت‌های متقابل مادی تعریف می‌کند (Bourdieu, 1986)؛ حال آنکه در تلقی اسلامی از ولایت و دوستی، پایه اصلی شکل‌گیری دوستی‌ها و مبنای تشکیل جامعه و گروه‌های هم‌بسته اجتماعی، ولایتی است که مؤمنان به یکدیگر دارند؛ چنان‌که قرآن نیز به این مسئله اشاره می‌کند. این البته به این معنا نیست که در جامعه اسلامی ولایت‌محور، به منافع مادی توجه نمی‌شود، بلکه دوستی و هم‌بستگی چنین جامعه‌ای، هم ابعاد «حمایت‌گرانه» و مادی دارد و هم ابعاد «هدایت‌گرانه» و متعالی.

شاخصه‌های جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

در اندیشه سیاسی رهبر بر اساس مبانی ارزشی و بینشی، ابتدا جامعه به دو بخش جامعه اسلامی (توحیدی، معنوی، آرمانی) و جامعه جاهلی تقسیم شده است. ایشان معتقدند یکی از رسالت‌های عمومی انبیا: ساختن جامعه توحیدی بوده است؛ جامعه‌ای مبتنی بر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت. چنین جامعه‌ای باید در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از شاخصه‌هایی برخوردار باشد:

۱. حوزه سیاسی

حوزه سیاسی حوزه حکمرانی و حکومت‌ورزی است. در این حوزه است که پایه‌های بخش‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بنا می‌شود و جامعه در مسیر صحیح قرار می‌گیرد. لذا لازم است در این حوزه آنچه در صدر قرار می‌گیرد حفظ انقلاب و دستاوردهای آن باشد تا زمینه‌گذار از نظام اسلامی به جامعه اسلامی فراهم شود.

الف) حفظ و گسترش آرمان‌های امام (ره) و انقلاب

مسلم است که شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون شناخت اندیشه‌های امام (ره) ممکن نیست. یکی از شاخص‌های مهم جامعه اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت مردم و مسئولان در راستای تحقق اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... امام راحل (ره) و همچنین آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول و اهداف عالی انقلاب اسلامی است. در این باره رهبر انقلاب در توصیف دولت محمود احمدی‌نژاد می‌فرمایند: «شعار و گفتمان [این] دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمان‌های انقلاب



است. این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچ‌کس نمی‌تواند ندیده بگیرد. هر دل‌بسته به انقلاب، این را قدر می‌داند. هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می‌کند، باید این را قدر بداند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲).
 یا در جای دیگری می‌فرماید: «خدا را شکر می‌کنیم که مسئولان نظام جمهوری اسلامی از آرمان‌های اسلامی و آنچه به‌عنوان اهداف والا برای این انقلاب و این مردم تعریف شده است تخلف نکرده‌اند. این اهداف را همه پذیرفته‌اند و شرط خدمت به این مردم و شرط احراز مسئولیت‌های اساسی برای این مردم همین است که هر مسئولی به این اهداف والا و آرمان‌های الهی و اسلامی از بن دندان و از عمق جان معتقد باشد و در راه آن تلاش و مجاهدت کند. جاذبه نظام اسلامی برای ملت‌های مسلمان در سراسر دنیا در همین نکته اساسی نهفته بود که اسلام را تضمین‌کننده سعادت جوامع اسلامی دانست» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸).

ب) یک‌پارچگی و وحدت اسلامی

اتحاد و انسجام رکن سیاسی دیگر جامعه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری است. ایشان از اولین روزهای مسئولیت مهم رهبری، این مسئله را در مناسبت‌های متعدد گوشزد فرموده و همواره از خطرها و آسیب‌های احتمالی موجود در این مسئله یاد کرده‌اند. معظم‌له مسئله وحدت را دارای پیچیدگی خاص خود می‌شمارند و آن را در صورتی حائز اهمیت می‌دانند که اولاً به از بین رفتن اختلافات منجر شود و ثانیاً حاکمیت اسلامی را در جامعه به همراه داشته باشد. ایشان در خصوص اهمیت مسئله وحدت اسلامی می‌فرمایند: در مسئله وحدت دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هرکدام به‌تنهایی حائز اهمیت هستند. وقتی ما شعار وحدت می‌دهیم، این دو نکته اساسی باید مورد توجه ما باشد و همین‌هاست که برای زندگی عملی مسلمانان کارساز است: یکی از این دو نکته عبارت است از رفع اختلافات و تناقض‌ها، درگیری‌ها، تضادها و کارشکنی‌ها که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمانان وجود داشته است و همیشه هم این تناقض‌ها به ضرر مسلمانان تمام شده است؛ ... نکته دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ والا پوچ و بی‌معنا خواهد بود (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶).

مقام معظم رهبری مبانی فلسفی وحدت را این‌گونه بیان فرموده‌اند: «بنای توحید که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست در وحدت است. ... در جامعه‌ای که بر مبنای



شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. در جامعه توحیدی که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیوم و قاهری که همه حرکات و پدیده‌های عالم مرهون اراده و قدرت او می‌باشد یکی است، انسان‌ها با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصل‌اند، به یک‌جا متصل‌اند و از یک‌جا مدد و کمک می‌گیرند. ولایت هم معنایش همین است. ولایت یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولیّ متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۹).

از نظر مقام معظم رهبری، یکی از آسیب‌های جدی جوامع اسلامی در شرایط فعلی، اختلاف‌های مذهبی است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «حَقّاً وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف‌انگیز است. بسیاری از توانایی‌های علمی و فکری مسلمانان در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است. ... تا آنجایی که من یادم می‌آید، درگیری‌ها و تعارضات و جنگ‌های مذهبی بین مسلمانان، به وسیله قدرتمندان هدایت شده است. از زمان بنی‌عباس تا زمان‌های بعد، همواره دست‌هایی طرف‌داران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دست‌ها نبود، آنها باهم سال‌ها در صلح و آرامش زندگی می‌کردند و هیچ مشکلی نداشتند. در زمان حاضر، برای اینکه مسلمانان باهم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها به‌خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمانان به وحدت بیش از همیشه است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱).

پ) هویت و استقلال ملی

حفظ عزت، هویت و استقلال ملی که برای آن خون‌های بسیاری ریخته شده یکی دیگر از شاخصه‌های بسیار مهمی است که جامعه اسلامی باید آن را داشته باشد؛ چراکه از نظر رهبر انقلاب، یکی از ابزارهای عمده بازیگران سیاسی در عرصه بین‌المللی، مکر و تهدید برای از بین بردن هویت و عزت و استقلال ملی است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «هویت برای یک ملت خیلی مهم است عزیزان من. ملتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب می‌شود و از بین می‌رود» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳۰).



معظم‌له در توصیه به استادان دانشگاه، نخبگان و پژوهشگران می‌فرماید: «جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداهاى بلند تحکم‌آمیز راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن‌که ایستادگی می‌کند، آن کسی است که احساس هویت می‌کند. حالا این هویت، گاهی هویت ملی است، گاهی هویت دینی است، گاهی هویت انسانی است، شرف است... با هویت باید بار بیایند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۰). در نگاه رهبر معظم انقلاب جامعه‌ای اسلامی خواهد بود که در آن علاوه بر اینکه جوانان آن از غرب‌زدگی مبرا هستند، روحیه مبارزه با غرب و قدرت‌های سلطه‌طلب را نیز در خود تقویت کرده است. ایشان در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان فرمودند: «مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی، و یک حرکت خردمندانه است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۶). همچنین می‌فرماید: «امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد، همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالف‌اند. [بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶).

۲. حوزه اقتصادی

اگرچه اقتصاد در اسلام هدف نیست، وسیله‌ای برای تعالی جایگاه انسان محسوب می‌شود. جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی مد نظر مقام مظم رهبری به قدری رفیع است که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص آن فرمودند: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

از مجموع صحبت‌ها و سخنرانی‌های رهبر می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ایشان در بعد اقتصادی بر دو مسئله اقتصاد پویا و عدالت محور متمرکزند.

الف) برخورداری از اقتصاد پویا

استقلال اقتصادی همانند استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از عناصر محوری جامعه اسلامی است. آنچه رهبر به عنوان نیاز اقتصاد امروز ایران احساس می‌کنند اقتصاد بدون نفت با الگوی اقتصاد مقاومتی است: «دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زاید و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی» از جمله مشکلات اقتصاد کنونی کشور است که برای رهایی از آن لازم است به «درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت و برون‌گرایی» روی آورد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

برای رسیدن به چنین اقتصادی، شرط لازم مبارزه با فساد است. به فرموده رهبر، عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند: «همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی باایمان و جهادگر، و منبع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد» (همان).

ب) عدالت گسری

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است و تمدن اسلامی بدون عدالت نمی‌تواند معنا شود. در این نگاه جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هويت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یک‌سان بودن همه برخورداری‌ها نیست؛ به معنای یک‌سان بودن فرصت‌هاست؛ یک‌سان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این اطمینان پیدا کنند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰). ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند: «نظر و



نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخوردها رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ‌کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۵). اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی نیز توجه کرده است. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه قرآن کریم، هدف نظام اسلامی را قسط می‌دانند: «اساس جامعه در نظام جمهوری اسلامی ليقوم الناس بالقسط است. هدف عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی و عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تأمین شود» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۲۹).

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). لذا در منظومه فکری رهبر حتی اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، در منطق اسلام پیشرفت محسوب نمی‌شود: «امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است. این پیشرفت نیست؛ این پیشرفتِ سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۲). لذا نمی‌توان از جامعه اسلامی سخن گفت، اما عدالت اسلامی در آن وجود نداشته باشد.

۳. حوزه اجتماعی و فرهنگی

آنچه بیش از همه تمایز جامعه اسلامی را از جوامع غربی در دو بعد فردی و اجتماعی به نمایش می‌گذارد، حوزه اجتماعی و فرهنگی است. لذا رهبر در توصیف جامعه اسلامی بیش از هر چیز بر بعد سلامت اعتقادی، اخلاق‌مداری و پرهیز از سطحی‌نگری تأکید دارند.

الف) سلامت اعتقادی

آنچه به فرموده رهبر انقلاب باعث شد ملت ایران در برابر «آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت» ایستادگی کند، «قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم الشان» بود. لذا اگر قرار باشد جامعه اسلامی برقرار شود، نخستین گام تقویت قدرت ایمان و انگیزه در میان نیروهای خود و دومین گام پاسداشت جامعه در برابر این خطرها خواهد بود. برای رسیدن به این موقعیت ضمن داشتن هوشیاری و بصیرت، برنامه‌ریزی و آموزش مداوم امری لازم و ضروری است. لازم است که سرمایه معنوی و اخلاقی جامعه که به فرموده رهبر انقلاب یکی از دستاوردهای چهل ساله نظام است حفظ شود و جلو رواج «بی‌بندوباری و فساد»، «آلودگی‌های اخلاقی» و «لجن‌زارهای فساد» سد گردد: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها [ست] و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست، و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (ع) کسانی را لغزاند. پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۱۱).

رهبر انقلاب در خصوص این آسیب در جای دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندان و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنای رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود» (همان: ۱۰).



ب) پرهیز از سطحی‌نگری

جامعه اسلامی تنها به شکل و ظاهر خود اسلامی نخواهد بود، بلکه اسلامی بودن آن در گرو اجرای احکام اسلام در آن است؛ جامعه‌ای است که شهروندان و دولت خود را مبادی آداب اسلامی می‌داند و بر رعایت احکام الهی پافشاری می‌کند. در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها را می‌توان در جهان سراغ گرفت که پیشوند یا پسوند اسلامی را در عنوان حکومت خود دارند، اما نشانی از اسلام در آنها دیده نمی‌شود. به اعتقاد رهبر «اصل قضیه درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش‌ها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۶). ایشان مسائلی مانند اخلاق حرفه‌ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه‌هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهم‌ترین شاخص‌های اصلاح سبک زندگی برشمردند، که می‌توان با آسیب‌شناسی و یافتن شیوه‌های آن به پیشرفت در این حوزه‌ها نیز امید داشت.

معظم‌له تحجر، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی را از عوامل سکولاریسم پنهان می‌دانند و پرهیز از سطحی‌نگری و مواردی از این دست را از الزامات تدوین تمدن‌سازی اسلامی در جامعه اسلامی برمی‌شمرند: «گاهی اوقات در ظاهر تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن سکولاریسم است؛ جدایی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم و وقت عمل یارای کار نداریم» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

پ) اخلاق‌مداری

جامعه اسلامی اساس تصمیمات جامعه دینی را بر پایه نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی، تقویت اصول و هنجارهای جهان‌شمول و ارتقای جایگاه اخلاق و معنویت‌گرایی قرار می‌دهد و برای برقراری نظام جهانی نیز خواستار تکامل روحی

و معنوی با تکیه بر دستاوردهای اخلاقی نظام اعتقادی اسلام است. پرهیز از بی حرمتی به معتقدات پیروان دیگر ادیان الهی، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات از طریق گفت و گوی منطقی و اخلاقی با تکیه بر روحیه برادری و حقیقت جویی، پرهیز از هرگونه هياهو و ایجاد رعب و وحشت، احترام به حقوق و کرامت بشری، اهتمام به همکاری و همیاری و روامداری و تقوای پیشگی و توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش می تواند آینده ای امیدبخش را بر اساس شیوه های اخلاقی نوید بخشد. به علاوه، تبیین جهان شمولی ارزش های معنوی اسلام می تواند فرصتی جدید برای ارائه چشم اندازی اخلاقی به جامعه جهانی از سوی تمدن نوین اسلامی به شمار آید (شاو و صدیقی، ۱۳۵۱: ۴۵).

رهبر فرزانه انقلاب دلیل اصلی مشکلات بشر را غفلت از امور معنوی و ارزش های اخلاقی می داند: «امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادی پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دل سوزان بشریت برای احیای ارزش های اخلاقی قیام جدی نمایند» (به نقل از: بانکی پور و قماشچی، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

توصیه های اخلاقی مقام معظم رهبری را می توان در سه مقوله اصلی طبقه بندی کرد: آن دسته از توصیه هایی که ناظر به مقام و شأن فردی کارگزار است و باید درباره خودش رعایت کند، به عنوان مثال «استمرار ارتباط با خداوند»، اخلاق فردی نام گذاری شده است؛ همچنین آن دسته از توصیه ها و رهنمودهایی که درباره جامعه و مردم بیان شده اند، از قبیل کسب رضایت مردم، در اخلاق اجتماعی جای گرفته اند؛ در نهایت آن دسته از توصیه هایی که درباره نحوه تعامل با دیگران و زیردستان و درباره نحوه انجام کار مطرح شده است، اخلاق اداری نام گذاری شده اند. رعایت اخلاق فردی طبیعتاً در رعایت اخلاق اجتماعی و اخلاق اداری نقش اساسی ایفا می کند. در نهایت، هدف از رعایت این بایسته های اخلاقی و پرهیزها در حقیقت خدمتگزاری به مردم در جهت کسب رضایت الهی است (خان محمدی و کشاورزیان، ۱۳۹۸: ۱).

اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی به اندازه ای است که رهبر معظم انقلاب آن را حتی بالاتر از «عمل» می داند (بیانات امام خامنه ای در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۹) و می فرماید: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلقیات نیکو، نمی تواند به هدف های والای بعثت پیامبر (ص) دست پیدا کند» (بیانات امام خامنه ای در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۶).



نتیجه‌گیری

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان متفکر مسلمان، نگاه خاصی به مفهومی به نام جامعه اسلامی دارند. این نگاه بیش از همه تحت تأثیر انگاره‌های اسلامی است. فهم این انگاره‌ها در تلقی آیت‌الله خامنه‌ای و برداشت ایشان از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های بنیادین اسلامی، در کشفِ فهمِ ایشان از مفهوم جامعه اسلامی بسیار کارگشاست؛ چه اینکه این مؤلفه‌های بنیادین به‌طور طبیعی امتدادی در حوزه حکمت عملی و ازجمله مفهوم جامعه یا جامعه اسلامی دارد. مدعای نوشتار حاضر این است که کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مستلزم کشف و فهم عناصر بنیادین اندیشه ایشان است. از این رو نوشتار حاضر بر مبنای چهار مؤلفه بنیادین اندیشه ایشان یعنی توحید، ولایت، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است. از مجموع مباحث بنیادین آیت‌الله خامنه‌ای در موضوعات یادشده، این نکته به دست آمد که ایشان اولاً به دلیل آنکه متفکری هستند که ذیل عالم اسلامی به طرح مباحث و ایده‌های خود می‌پردازند، تأثیر این عالم بر فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی کاملاً تعیین‌کننده است. به‌عنوان مثال نوع نگاه و تلقی خاصی که ایشان از توحید دارند که با دو مؤلفه نفی طاغوت و عبودیت الله تعریف می‌شود، جهت‌گیری‌های خاصی به جامعه اسلامی می‌بخشد؛ چه اینکه از این منظر جامعه استعمارزده و جامعه‌ای که تحت لوای استبداد و هرگونه نظم سلطانی است، به دلیل آنکه تن به حاکمیت طاغوت داده، از دایره تعریف جامعه اسلامی بیرون است. حتی با این تلقی از توحید، جوامعی که تن به دموکراسی سکولار غربی داده‌اند نیز در زمره جوامع غیراسلامی و مبتنی بر طواغیت به سر می‌برند؛ یا به‌عنوان مثال تلقی خاص آیت‌الله خامنه‌ای از انسان به‌عنوان موجود سائر و در حال حرکت است که از مبدأ خاصی (خودپرستی) به سوی مقصد خاصی (خداپرستی) در حال حرکت است. جامعه اسلامی با این تلقی، جمع میان انسان‌هایی است که در حال سلوک جمعی به سمت توحید و خداپرستی‌اند، بی‌آنکه از شئون گوناگون مدیریت دنیای خود و نیز از همه آرمان‌هایی که سهم مهمی در جامعه‌پردازی و نظام‌سازی دارد نظیر عدالت غافل بمانند. لذا تأثیر چنان انسان‌شناسی در تلقی ایشان از جامعه اسلامی کاملاً مشخص است. بر پایه این تلقی، جوامع صرفاً مادی که از نیازهای معنوی و دینی غفلت می‌ورزند و حتی جوامعی که تأمین منافع مادی اعضای جامعه را دست‌کم می‌گیرند، هر دو با جامعه اسلامی زاویه دارند. جامعه اسلامی در تلقی آیت‌الله خامنه‌ای، به تعبیر صدرالمتألهین هم‌زمان، متولی «نظام معاش» و «نجات معاد» است.

منابع

- ابن یعقوب رازی، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۹۷). پیرایه جان (ترجمه تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق)، ترجمه حسین قدمی، قم، آیت اشراق.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). «مفهوم سیاست در مکتب رضوی»، فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره اول، ش ۳، ص ۷-۲۷.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۸۲). فصول متزعه، تهران، انتشارات سروش.
- اشرفی، اکبر و قدسی علیزاده سیلاب (۱۳۹۵). «ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۴، ص ۲۳-۵۰.
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید مبعث در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۰، دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/newspart/index-tid?1345>.
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱۴، دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/newspart/index-tid?1345&npt=7>.
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان زنجان در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۲، دسترسی در <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id.3199>
- پیام امام خامنه‌ای به مناسبت حلول سال نو در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱، دسترسی در <http://www.farsi.khamenei.ir/newspart-index?id.2878>
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۰، دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id.2469>
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲، دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id.17086>
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در عید غدیر در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶، دسترسی در:
- <http://www.farsi.khamenei.ir/newspart-index?id.3199>
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۵، دسترسی در:
- <http://www.farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid&2114=npt.7>
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از بانوان برگزیده کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۳۰، دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/newspart>.



بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۸، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.&2634=>

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-print.?>

«جذب اجزای مساعد و دفع دشمنان؛ لازمه جامعه اسلامی ولایی»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از دانشجویان و طلاب در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۹، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id.>

«وحدت شیعه و سنی»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid.14195=>

«عدالت و پیشرفت»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id&3366=nt.>

«عدالت اجتماعی»، بیانات امام خامنه‌ای در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id.&25795=>

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اқشار مختلف مردم و مسئولان و کارگزاران دستگاه‌ها در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۵، دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/content./1357/>

«برپایی عدالت اجتماعی؛ اساس جامعه نظام جمهوری اسلامی»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۲۹، دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid.57=>

بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع مردم اسفراین در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۲، دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech.9975/>

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳، دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech.9985/>

«سبک زندگی»، ۱۳۹۱/۷/۲۶، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/audio.-content?id21344=](http://farsi.khamenei.ir/audio.-content?id21344)

«جامعه، اخلاق اسلامی، بعثت پیامبر اسلام»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با بسیجیان در تاریخ

۱۳۸۵/۱/۶، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029=](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029)

«آراستگی به فضائل اخلاقی»، خطبه‌های نماز عید سعید فطر در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۹، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.3029=](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.3029)

«جنبش عدالت خواهی»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت در

تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.1668=](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.1668)

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شهرستان رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.3288=](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.3288)

«هویت ملی»، بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب در تاریخ

۱۳۹۸/۲/۳۰، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.1679=](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid.1679)

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.31307=](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.31307)

«چرا با آمریکا دشمن هستیم؟»، ۱۳۹۴/۸/۱۶، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.31307=](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.31307)

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، دسترسی در:

[http://farsi.khamenei.ir/message.-content?id41673=](http://farsi.khamenei.ir/message.-content?id41673)

باقری دولت‌آبادی، علی و محسن شفیعی (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست

خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌انگاری، تهران، تیسرا.

بانکی‌پور، امیرحسین و احمد قماشچی (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری،

تهران، تربیت اسلامی.

جاویدی، رقیه و غلامرضا بهروزی لک (۱۳۹۵). «شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام

خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، ش ۱۳، ص ۸۳-۱۰۲.

خسروپناه و همکاران (۱۳۹۶). منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران، انتشارات



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خان‌محمدی، هادی و محمد مهدی کشاورزبان (۱۳۹۸). «اخلاق کارگزاران از منظر مقام معظم رهبری»، مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دسترسی در:

<http://www.olgou.org/publication>.

شاو، برنارد جورج و عبدالعظیم صدیقی (۱۳۵۱). اسلام؛ دین آینده جهان، ترجمه هادی خسروشاهی، قم، انتشارات نسل جوان.

شمس، منصور (۱۳۸۷). آشنایی با معرفت‌شناسی، تهران، نشر طرح نو.

عینی‌زاده، محمد و سیدرضا مؤدب (۱۳۹۶). «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)»، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲۱، ص ۱۵۳-۱۷۵.

لکزایی، شریف و رضا لکزایی (۱۳۹۵). «انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، س ۴، ش ۱۵، ص ۶۳-۸۱.

لکزایی، نجف و رقیه جاویدی (۱۳۹۷). «نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۸۱، ص ۱۴۵-۱۶۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). توحید، تهران، صدرا.

صادقی فسائی، سهیلا و محسن ناصری راد (۱۳۹۰). «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش»، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره پنجم، ش ۲، ص ۷۸-۹۸.

معینی‌پور، مسعود و محمدرضا عبدالله‌نسب (۱۳۹۵). «رابطه ولایت و جمهوریت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، ش ۱۵، ص ۸۳-۱۰۰.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۶). اندیشه سیاسی فارابی، تهران، بوستان کتاب.

نوری، عباس (۱۳۹۷). «ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۹۰، ص ۱۳۵-۱۶۴.

شفیعی، احمد و عبدالعزیز نیک‌بین (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری»، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ششم، ش ۱۵، ص ۷۵-۹۷.

نعیمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۹). بنیادشناسی و زمینه‌شناسی عقلانیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

های، کالین (۱۳۸۵). درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نی. سمعی اصفهانی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴). «ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه



مقام معظم رهبری»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره دوازدهم، ش ۴۲، ص ۲۷-۴۴.
بنتون، تد و یان کرایب (۱۳۸۴). فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود
متحد، تهران، آگه.

Bourdieu, Pierre (1986). "The forms of capital", in: Hand-book of Theory and the Search for the Sociology of Education J. G. Richardson, New York, Greenwood Press.

